

اگر یک لباس بخواهد در سالن آزادی باشد، لباس آیدین است

## نیکخواه بهرامی: عملکرد ۴ ساله داوری خاکستری بود



از نظر من آیدین از دنیا نرفته، همیشه هست و با او زندگی می‌کنم. تمام مراحل زندگی من با وجود آیدین بهتر و خوشتر می‌شد و حتی خودم هم آدم بهتری می‌شدم

قطعاً بعضی انتخاب‌ها سؤال برانگیز بوده است. پیشنهاد من به رئیس فدراسیون و رؤسای آینده این است که آدم‌هایی را انتخاب کنند که علم روز را داشته باشند تا بتوانند یک باری از روی دوش فدراسیون بردارند، نه اینکه خود بار سنگینی روی دوش فدراسیون باشند.

**کامییز شکوهی، هادی عامری و مصطفی هاشمی قصد حضور در انتخابات را دارند. فکر می‌کنید آمدن این اسامی می‌تواند به بسکتبال کمک کند یا ماندن داوری به صلاح خواهد بود؟**

درباره این اسامی نظری ندارم. بعضی از آنها مثل مصطفی هاشمی سابقه بسیار زیادی در بسکتبال دارند. مسئولیت سنگینی است و آقایانی که قصد حضور در انتخابات را دارند باید بدانند که وقتی انتخاب شوند روی آب هستند

و همه تیرها به سمت آنها شکلیک می‌شود، پس باید این توانایی را در خود دیده باشند. عده‌ای سعی می‌کنند من را به داوری پشیمانند اما هر کسی از من کمک بخواهد قول شرف می‌دهم که بدون چشمداشتی به نفع بسکتبال نظر می‌دهم، حالا می‌خواهند گوش بدهند، می‌خواهند ندهند، همان‌طور که تا الان همین بوده است.

**تیم ملی اخیراً در کاپ آسیا بعد از ۸ سال به سکو برگشت. فکر می‌کنید سیستم جوانگرایی مانولوپولوس تا چه اندازه جواب داده و نسل جدید چقدر می‌تواند با جای پای نسل طلایی بگذارد؟**

### گفت‌وگو



**فائزه زمانی**  
روزنامه نگار

وقتی نام صمد نیکخواه بهرامی می‌آید، هنوز هم برق خاصی در چشمان بسکتبالی‌ها موج می‌زند: کاپیتان نسل طلایی که یکی از ستون‌های بی‌تکرار تیم ملی بود، حالا این روزها کیلومترها دور از وطن زندگی می‌کند اما هنوز هم بسکتبال به گوشه‌ای از روزهای او گره خورده است. او در گفت‌وویی صریح، از بازگشت تیم ملی به سکوهای آسیا تا انتخابات پیش روی فدراسیون، از ظرفیت نسل جدید تا دلتنگی همیشگی برای آیدین برادر فقیدش روایتی تازه و بی‌پرده ارائه می‌دهد.

**در امریکا مشغول چه کاری هستید و تا چه اندازه بسکتبال در زندگی شما نقش دارد؟**

در این ۴ سال اینجا مشغول تحصیل در رشته کاپوریکاتیک بودم که هفته پیش فارغ التحصیل شدم. به صورت همزمان یک کلینیک مدرسه بسکتبال دارم که روزبه‌روز بهتری می‌شود و همچنین در یک دبیرستان مربیگری می‌کنم. اوایل، همه چیز بویژه درس خواندن در این سن سخت بود اما خدا را شکر حالا همه چیز خوب است.

**از دخترتان چه خبر؟ همچنان بوکس کار می‌کند یا توانسته‌اید او را به بسکتبال علاقه‌مند کنید؟**

را بدهم با دخترم عالی است. بعضی بچه‌ها از اول هم اذیت نمی‌کنند و دختر من هم جزو همین دسته است. مدت خیلی کوتاهی بوکس کار می‌کرد که سرعت عصب و ضلالتش هماهنگ شود اما حالا اسکواش بازی می‌کند و در امریکا رنک ۴۵ یا ۵۰ را دارد. سخت ورزش می‌کند و همزمان به خوبی درسش را ادامه می‌دهد. خیلی مهم نیست که حرفه‌ای شود، همین که ورزش را ادامه بدهد برای ما کافی است.

**انتخابات فدراسیون نزدیک است. عملکرد جواد داوری را در این ۴ سال چطور دیدید؟**

این سؤال خیلی عجیب است چرا که فدراسیون الان با چند دوره گذشته متفاوت بوده و کار وسیع‌تر است. باید از جوانب مختلف به این موضوع نگاه کرد اما اطلاعات من محدود است. فکر می‌کنم عملکرد داوری بد نبوده. به هر حال هر کسی که صندلی ریاست را تحویل می‌گیرد یکسری فعالیتهای خوب دارد و طبیعتاً اشتباهاتی هم دارد. عملکرد داوری در این ۴ سال نه سیاه سپاه بود و نه سفید سفید، بلکه خاکستری عمل کرد. منتها عده‌ای که دشمنی دارند همه چیز را سیاه می‌بینند و برعکس، موافقان همه چیز را سفید می‌بینند اما من همیشه واقع‌بینانه نظر می‌دهم.

تیم ملی خوب و جوان با بازیکنان آینده‌داری داریم که باید با بازی‌های تدارکاتی حفظ شود. آنها در کاپ آسیا و

را احساس می‌کنم. به همه پیشنهاد می‌کنم که هر اختلافی با اعضای خانواده دارند کنار بگذارند و از لحظات باهم بودن استفاده کنند. زندگی کوتاه‌تر از این چیزهاست و وقتی فکر می‌کنم ۴۴ سال از عمر گذشته، باورم نمی‌شود. هیچ چیز مهم‌تر از عشق جاری در خانواده نیست. بزرگترین حامی، رفیق و سالم‌ترین آدمی که در زندگی‌ام می‌شناختم در کنارم نیست و نبود آیدین بزرگترین فقدان من است.

**فکر می‌کنید اگر این اتفاق ناگوار برای مرحوم آیدین نمی‌افتاد، او به اسطوره بسکتبال ایران تبدیل می‌شد؟**

آیدین اگر بود حتماً یکی از بزرگترین بازیکنان و اسطوره‌های بسکتبال ایران می‌شد. متأسفانه این اتفاق ناگوار در شروع رشد او رقم خورد. آیدین یکی از باتانسیل‌ترین بازیکنان نسل طلایی بود، این را من نمی‌گویم و همه می‌دانند که بازیکن متفاوتی بود و مثل او هم تا چندین و چندسال در بسکتبال ما نیامد. شاید یک جاهایی از من تندتر بود اما از من دوست‌داشتنی‌تر بود، جایش نه فقط در خانواده ما بلکه در بسکتبال هم خیلی خالی است.

**بعد از فوت مرحوم آیدین، به دستور مرحوم مشحون لباس ایشان را در سالن آزادی آویزان کردند اما در زمان ریاست طباطبایی این لباس را برداشتند و در زمان ریاست جواد داوری هم لباس حامد حدادی را آویزان کردند.**

من که سالن را ندیده‌ام اما طبق چیزی که همه به من می‌گویند، برخلاف اسم سالن که به نام زنده یاد مشحون است، سالن حدادی است و کلاً همه یادشان رفته که بقیه هم وجود داشتند.

برداشتن لباس آیدین کار بسیار زشتی بود که طباطبایی انجام داد و کار داوری زشت‌تر بود چرا که او با آیدین همبازی بود و جا داشت لباسش را برمی‌گرداند اما این کار را نکرد. اگر قرار باشد یک لباس در سالن آزادی باشد، قطعاً آن لباس آیدین است.

پنجره اول انتخابی هم خوب بازی کردند. البته این کار را مانولوپولوس نکرد و کار فدراسیون جواد داوری است. من نمی‌توانم اسمش را جوانگرایی بگذارم بلکه شروع به ساخت تیم جدیدی کردند که بعضی جوان بوده و بعضی نه. اما خدا را شکر تیمی با میانگین سنی مناسب و تکنیکی داریم که توانایی بالایی دارند اما همیشه بازیکن‌سازی آسان‌تر از حفظ آن است. یک بازیکنی که حرفه‌ای می‌شود از یک جایی به بعد خودش، خودش را مدیریت می‌کند و دیگر همه چیز به هوش هیجانی او برمی‌گردد.

**ماتچ هم که نسل طلایی با او طلای قهرمانی آسیا گرفته‌اند بود، هدایت تیم‌های پایه را برعهده گرفته‌اند. بازگشت او را به بسکتبال ایران چطور می‌بینید؟**

ماتچ هم جزو همان انتخاب‌های اشتباهی است که گفتم. به نظر من او تجربه‌ای در رده پایه ندارد و نمی‌تواند چیزی به بسکتبال این رده اضافه کند. ماتچ در تیم ملی بزرگسالان تیم ترومن را تحویل گرفت که سال بعد اول شدیم. اما بعد از آن در مسابقات چین بهترین تیم ملی ما را که همه بازیکنان نسل طلایی در بالاترین ورژن خود بودند، اوت کرد. او اصلاً دانش بسکتبال ندارد و بازگشتش به شدت اشتباه است. حالا امیدوارم که بیايد و خلافتش را به من و منتقدانش ثابت کند اما من ماتچ را قبول ندارم، مخصوصاً در رده پایه.

**یادی از مرحوم آیدین کنیم. نبود او در تمام این سال‌ها چقدر سخت بوده و اگر بود زندگی شما تا چه اندازه متفاوت‌تر می‌شد؟**

از نظر من آیدین از دنیا نرفته، همیشه هست و با او زندگی می‌کنم. تمام مراحل زندگی من با وجود آیدین بهتر و خوشتر می‌شد و حتی خودم هم آدم بهتری می‌شدم. هر روز جای خالی او



### یادداشت



**علی عالی**  
روزنامه نگار

### سرمایه‌ای به نام ایران ورزشی

۱- دهم اردیبهشت ۱۳۹۸ تا چهارم دی ماه ۱۴۰۰: ۹۷۱ روز مدیریت مسؤل و سردبیری روزنامه فرهیخته ایران ورزشی. دورانی شیرین و جذاب. از نظر من، سقف روزنامه‌نگاری ورزشی در ایران. کنار بچه‌های تحریریه، پرچم روزنامه‌نگاری در ایران را بالا نگه داشتیم.

۲- سرمایه ایران ورزشی، تحریریه‌اش است. دوستان خوبی مثل آرمن ساروخانیان، فرشاد کاس نژاد، حمیدرضا عرب، مرحوم آقا وصال روحانی، امیر اسدی، محمد قراقرز، سعید آقایی، هومن جعفری، مهدیه دریابیگی، جعفر بزرگر، اکبر منتشلو، سمیرا شیرمردی، علی رضایی، اشکان نعمت‌پور، علی بلندنظر، سید جادی، یاسر احمدی، آزاده پیراکوه، محسن وظیفه، رضا عباسپور، محسن آجرلو و ناصر انصافی مقدم را همان‌جا پیدا کردم. زحمت صفحه‌آرایی را هم محسن ذاکری، علی عباسی، حامد حسینی و فرشید بهاری برعهده داشتند. زحمت بخش ویراستاری را هم مسعود قراقرز، فرشته معتمدی، علیرضا عبدالوند، معصومه مهدوی روشن و سیده زهرا آرامی می‌کشیدند و خانم سمیه مهدی‌پور هم روابط عمومی مجموعه بودند. دوستان خوبی که بخش مهمی از زندگی‌ام شدند. ۳- همراه با من، دوستان خوب هم آمدند و کمک کردند. با کمترین هزینه و بیشترین خروجی. استاد ابراهیم افشار، احسان محمدی، رسول مجیدی، علی مغانی، حمید سلیمی، حسین قهار، وحید جعفری، سامان موحد، سام ستارزاده، علی کمانگری، سپهر خرمی، مجتبی صدوقی، شکوفه موسوی، نوید صراف، ارش حسن‌پور، مجتبی رفیعی، مهدی زارعی، معیاد نیک، مریم مجد، سالار علیخواه و حتی پای یادداشت‌نویسان هم به روزنامه باز شد: سعید فاتحی، بهمن فروتن، منوچهر زندی، هوشنگ نصیرزاده، نوید مظفری. صید بزرگ ایران ورزشی، جاب شهاب جعفرزاد بود. طرح‌هایش در روزنامه، حسابی ما را متفاوت کرده بود.

۴- به خاطر دارم از اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸، صفحه اول تغییر گرافیکی داشت و اصرار داشتیم صفحه اول، داستان داشته باشد و فرمش تغییر کند.

۵- صفحه اول است بیادماندنی داشتیم که فراموش نشدنی ای‌ها و همیشه وقتی حالم خوب نیست، نگاه‌شان می‌کنم. برای اولین بار از گرینه مهدی تاج پرده برداشتیم. مارک ویلموتس؛ بازی چرک فوتبال ایران و فدراسیون تاج! طرح بی نظیر از ناصر حجازی به مناسبت هشتمین سالگرد درگذشت. اتفاقات فینال جام‌حذقی و تقدیم ستاره ششم ایران ورزشی به فدراسیون پنج‌ستاره که حسابی سروصدا کرد. ویژه‌نامه‌های جام جهانی زنان در ایران ورزشی برای اولین بار منتشر شد و عکس‌های اختصاصی مریم مجد منتشر شد. چاپ عکسی از یک زن روی صفحه یک برای اولین بار؛ آن هم ستاره فوتبال زنان امریکا که در فضای مجازی خیلی دیده شد و حتی صفحه اول روزنامه ایران ورزشی در موزه فیفا با دوربین مریم مجد به نمایش درآمد. و از همه مهم‌تر جلد متفاوت از حضور زنان در ورزشگاه. ایده را از یک طرح خارجی گرفتم و برای شهاب جعفرزاد فرستادم که خیلی مورد توجه قرار گرفت و حتی به خاطر دارم فردای این روز هم تنها روزنامه‌ای بودیم که از دل تماشاگران زن، رو به زمین و فوتبال‌بست‌های تیم‌ملی جلد را بستیم و نشان دادیم این اتفاق چقدر مهم است.

۶- تصمیم مهم، انتشار ویژه‌نامه‌های آخر هفته ایران ورزشی بود. ۲۳ آبان ۱۳۹۸ اولین شماره منتشر شد. سوزه‌هایی که شاید سال‌ها هیچ‌کس به آنها توجه نکند. با افتخار در کنار بهترین‌های ورزشی نویسی، ۹۵ شماره منتشر شد. از روز اول تا روز پایانی که در روزنامه بودم منتشرش کردم و تبدیل به شناسنامه روزنامه در آن روزها شد. ویژه‌نامه عید ایران ورزشی در سال ۱۳۹۹ حسابی ترکاند. حتی به چاپ دوم هم رسید. عکس‌هایی که برای اولین بار از تختی و فردین منتشر شد.

